

## مقایسه سیاستهای اوباما و ترامپ در برابر بحران سوریه

علی باقری دولت‌آبادی

### چکیده

از آغاز بحران در سوریه هفت سال می‌گذرد. در این مدت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی ایستارهای گوناگونی در برابر آن داشته‌اند. یکی از کشورهایی که ایستارهای آن در برابر بحران سوریه از دیدگاههای گوناگون اهمیت فراوان دارد آمریکا است. از این رو باید دید بن‌مایه و هدفهای سیاست خارجی آمریکا در برابر رویدادهای سوریه چیست و چه تفاوتی می‌توان میان سیاستهای اوباما و ترامپ در این زمینه یافت. در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش بر آن است که آمریکاییان با طرح هدفهایی همچون مهار کردن چین و روسیه، تضمین جریان آزاد نفت و انرژی، پاسداری از امنیت اسرائیل و کاستن از دامنه قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران قصد سرنگون کردن حکومت بشار اسد و تغییر ساختار قدرت در سوریه دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دونالد ترامپ سرگرم چرخش از سیاست مداخله بشردوستانه اوباما به مداخله نظامی مستقیم در سوریه است. گرچه وی ادعا می‌کند در برنامه‌های خود اولویت را به مسایل داخلی آمریکا می‌دهد، اما از دست زدن به کارهای نمایشی برای به رخ کشیدن قدرت آمریکا در منطقه پرهیز ندارد و این ماجراجوییها می‌تواند خطرناک باشد. در پژوهش پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی، این رفتارهای آمریکا بررسی می‌شود.

### دیباچه:

از آغاز بحران در سوریه نزدیک به هفت سال می‌گذرد. در این مدت، جنگ داخلی در این کشور فراز و نشیبهای بسیار داشته است: از پیروزیهای سریع و آغازین داعش و گروههای معارض سوری گرفته تا ناکامی آنها در حلب و حُمص. در همه این سالها بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی کوشیده‌اند بر

پایه تعریفی که از اوضاع سوریه داشته‌اند، در این بحران نقش بازی کنند. یکی از مهمترین این بازیگران دولت آمریکا است. از هنگام مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری در ۲۰۱۶، دو اردوگاه ترامپ و کلینتون بر سر مسئله سوریه بحث و جدل می‌کردند و با وجود پیروزی ترامپ در انتخابات، هنوز این بگومگو پایان نیافته است. برخی از مخالفان ترامپ در اردوگاه

• آمریکاییان با طرح هدفهایی همچون مهار کردن چین و روسیه، تضمین جریان آزاد نفت و انرژی، پاسداری از امنیت اسرائیل و کاستن از دامنه قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران قصد سرنگون کردن حکومت بشار اسد و تغییر ساختار قدرت در سوریه را دارند. دونالد ترامپ سرگرم چرخش از سیاست مداخله بشردوستانه اوپاما به مداخله نظامی مستقیم در سوریه است. گرچه وی ادعا می‌کند در برنامه‌های خود اولویت را به مسایل داخلی آمریکا می‌دهد، اما از دست زدن به کارهای نمایشی برای به رخ کشیدن قدرت آمریکا در منطقه پرهیز ندارد و این ماجراجوییها می‌تواند خطرناک باشد.

به کارنامه سیاست خارجی اوپاما انداخته و کوشیده‌اند به این پرسش جدی پاسخ دهند که آیا او استراتژی کلانی داشته است یا نه؛ و برخی دیگر مانند آندریاس کریگ کوشیده‌اند سیاست خاورمیانه‌ای اوپاما را بررسی کنند. در بیشتر آثار به زبان فارسی، به تشریح نقش آمریکا در سوریه و رقابتهای آن با روسیه پرداخته شده است. کارهای مجید روحی (۱۳۸۸)، سجاد آزاده (۱۳۹۲)، امیر ساجدی (۱۳۹۲) و اکرم اشرفی و امیر سعید بابازاده (۱۳۹۴) نمونه‌هایی از این دست است. در گروه دوم (به زبان انگلیسی) برخی همچون سام هلر (۲۰۱۶)، جیمز فیلیپس (۲۰۱۷) کوشیده‌اند ضمن نقد سیاستهای دولت اوپاما، راهکارهایی برای رویارویی با اوضاع پیش‌رو در سوریه به دولت ترامپ پیشنهاد کنند و کسانی همچون ریث روزن (۲۰۱۷) و هال برنزد (۲۰۱۷) تردیدهای جدی در موفقیت و کارآمدی سیاستهای اوپاما داشته‌اند. به فارسی نیز اثری نه در نقد سیاستهای ترامپ نگاشته شده است، نه در تشریح و توضیح آن درباره سوریه. از این‌رو، پر کردن خلأ علمی در این زمینه، بخشی از هدفها از نگارش

دموکراتها به این باورند که سیاستهای ترامپ در سوریه و کارهایی که انجام داده، بسنده و سودمند نبوده است. روند رویدادها در ۲۰۱۷ و آنچه در جاهایی مانند خان شیخون پیش آمد و بمباران پایگاه هوایی شعیرات در سوریه با ۵۹ موشک تام هاوک به‌دستور ترامپ، نشان داد که او قصد ندارد راه و روش اوپاما را در برابر بحران سوریه دنبال کند و باید منتظر رفتارهایی پیش‌بینی ناشدنی از سوی وی در مورد سوریه بود. (Aslam, 2017:1) پرسشی که در اینجا پیش می‌آید این است که بن‌مایه و هدفهای سیاست خارجی آمریکا در مورد سوریه چیست و چه تفاوتهایی میان روش اوپاما و روش ترامپ در این زمینه وجود دارد. در پاسخ این پرسش، این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که آمریکاییان در منطقه خاورمیانه با طرح هدفهایی همچون سیاست مهار کردن چین و روسیه، تضمین جریان آزاد نفت و انرژی، پاسداری از امنیت اسرائیل و کاستن از دامنه قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران، برای سرنگون کردن حکومت بشار اسد و دگرگونی ساختار قدرت در سوریه می‌کوشند.

### پیشینه پژوهش

برآیند جستجوها به دو زبان فارسی و انگلیسی نشان می‌دهد که تاکنون در هیچ پژوهش مستقلی سیاستهای اوپاما و ترامپ در زمینه سوریه مقایسه نشده است. آنچه را در این زمینه منتشر شده است می‌توان در دو گروه کلی جای داد: نخست آثاری که در دوران ریاست جمهوری اوپاما پیرامون سیاست خارجی آمریکا در سوریه نگاشته شده است و دیگر، آثار کسانی که کوشیده‌اند رفتارهای ترامپ در پهنه بین‌المللی بویژه در مورد سوریه را توضیح دهند. در گروه نخست (به زبان انگلیسی) برخی پژوهشگران همچون مایکل کلارک و آنتونی ریکتز (۲۰۱۷) نگاهی

این مقاله بوده است.

نمی‌کرد و بستگی به اوضاع و احوال داشت. برپایه این آموزه، ایالات متحده هدف از مداخله محدود خود در سوریه را پشتیبانی از شهروندان بی‌دفاع این کشور در برابر رژیم خودکامه و در راستای دستیابی آنان به دموکراسی معرفی می‌کرد. همین جا باید گفت که برخی تحلیلگران ترجیح می‌دهند به جای انتساب این آموزه به دولت اوپاما، آنرا «آموزه مداخله بشردوستانه جهانی» بخوانند (Murray 2013: 159; Kissinger 2012). آموزه‌ای که پیشینه‌دار است و در جنگ‌های گوناگون در جهان از سوی آمریکا به‌کار گرفته شده است. در حقیقت، استراتژی آمریکا در چارچوب این آموزه، «هدایت از پشت سر» بود. اوپاما بهتر دید به‌جای اینکه آمریکا را وارد بحران تازه‌ای در جهان کند، با واگذاری نقش خود به همیمانانش به رهبری ترکیه و عربستان، به تغییر رژیم در سوریه دست زند. از این‌رو سیاستی محتاطانه در برابر رویدادها در سوریه در پیش گرفت. (Phillips, 2017: 1) این سیاست در دو مرحله اجرا شد. در فاز نخست همه‌امید آمریکا این بود که با دامن زدن به آشوب و ناامنی، دولت سوریه را وادار به رفتارهای واکنشی و خشن کند و در فاز دوم، به بهانه دفاع از مردمان، وارد مرحله مداخله محدود شود. براین پایه، در فاز نخست با پشتیبانی مالی قطر و عربستان و کمک‌های نظامی ترکیه و آمریکا مخالفان بشار اسد مسلح و تجهیز شدند و با زمینه‌سازی برای پاک‌کردن داعش، خشونت‌ها در سوریه به بالاترین اندازه رسید (Washington's Blog and Others, 2016: 24). کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی در سوریه که اوپاما آنرا خط قرمز دولت خود معرفی کرده بود، پایان مرحله نخست بود. کاربرد این جنگ‌افزار می‌توانست اجماع جهانی لازم بر سر مداخله مستقیم آمریکا در سوریه را فراهم آورد. این اجماع، در محکومیت سوریه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل و ۱۰ کشور از اعضای

### چارچوب نظری: از مداخله بشردوستانه محدود تا مداخله مستقیم بیشتر

یافتن نظریه‌ای که بتواند سیاست‌های دولت آمریکا درباره سوریه را توضیح دهد دشوار است. علت، شاید چرخش‌های پیاپی در این سیاستها و دگرگونیها در سوریه بوده باشد. برای چیره شدن بر این مشکل، مرسوم‌ترین راهکار، رفتن به سراغ آموزه‌ای کلی است که هر رییس‌جمهوری در آمریکا برای خود دارد. در مورد دولت اوپاما، افزون بر سیاست «قدرت هوشمند» در برابر «قدرت سخت» که از آن بعنوان دستور کار کاخ سفید برای هدایت جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در خاورمیانه در ۲۰۱۱ یاد شده است (Dimitrova, 2011)، آموزه دیگری نیز در این زمینه مطرح شده است. این آموزه که «مداخله بشردوستانه اوپاما» نامیده می‌شود پاسخی بوده است به نقض آشکار حقوق بشر که اقدام نظامی را هم دربر می‌گرفت، اما به‌گونه خودکار عمل

• یافتن نظریه‌ای که بتواند سیاست‌های دولت آمریکا درباره سوریه را توضیح دهد دشوار است. علت، شاید چرخش‌های پیاپی در این سیاستها و دگرگونیها در سوریه بوده باشد. در مورد دولت اوپاما، افزون بر سیاست «قدرت هوشمند» در برابر «قدرت سخت» که از آن بعنوان دستور کار کاخ سفید برای هدایت جنبش‌های سیاسی - اجتماعی در خاورمیانه در ۲۰۱۱ یاد شده است، آموزه دیگری نیز در این زمینه مطرح شده است. این آموزه که «مداخله بشردوستانه اوپاما» نامیده می‌شود پاسخی بوده است به نقض آشکار حقوق بشر که اقدام نظامی را هم دربر می‌گرفت، اما به‌گونه خودکار عمل نمی‌کرد و بستگی به اوضاع و احوال داشت.

● دولت روسیه که به خوبی از فشارهای داخلی بر دولت اوپاما از سوی جمهوریخواهان آگاه بود، با دست زدن به حمله‌های موشکی و هوایی در جبهه نظامی، کنار زدن آمریکا از گفت‌وگوهای سیاسی در قزاقستان، به شکست کشاندن استراتژی اوپاما برای یکپارچه کردن جامعه جهانی در سازمان ملل بر ضد بشار اسد و به دست گرفتن ابتکار عمل در ایجاد مناطق امن در سوریه، در عمل استراتژی اوپاما را ناکام گذاشت.

گونگون سوریه به دست داعش و گروههای معارض دولت داشت، اما با دخالت مستقیم روسیه و ایران در جنگ، به شکست انجامید. دولت روسیه که به خوبی از فشارهای داخلی بر دولت اوپاما از سوی جمهوریخواهان آگاه بود، با دست زدن به حمله‌های موشکی و هوایی در جبهه نظامی، کنار زدن آمریکا از گفت‌وگوهای سیاسی در قزاقستان، به شکست کشاندن استراتژی اوپاما برای یکپارچه کردن جامعه جهانی در سازمان ملل بر ضد بشار اسد و به دست گرفتن ابتکار عمل در ایجاد مناطق امن در سوریه، در عمل استراتژی اوپاما را ناکام گذاشت. (BBC, 2015)

همچنان که در مورد آموزه و استراتژی اوپاما تردیدهای جدی وجود دارد، درباره برنامه دونالد ترامپ در سوریه نیز نظر قطعی ابراز نشده است. برای نمونه، وی.جی. هنیگان بر آن است که «با وجود افزایش فعالیتها و اقدامات آمریکا در سوریه، مقامات دولتی درباره هدفهای خود در این جنگ کمتر سخن می‌گویند»، گو اینکه «استراتژی مشخصی» هم ندارند. (Hennigan, 2017) نشریه اکونومیست (Economist, 2017) عنوان «سردرگم و گیج» و نشریه معروف فارن پالیسی (Foreign Policy, 2017) عنوان «سیاستی متکی و بسته به روسیه» را برای سیاستهای ترامپ به کار برده‌اند. در برخی تحلیلها از «تاکتیکی

گروه ۲۰ رخ نمود. ۳۷ دولت دیگر نیز جداگانه کاربرد جنگ‌افزار شیمیایی در سوریه را محکوم کردند. (Britz and Others, 2016:30-34) با این همه، مرحله دوم این سیاست با شکست روبه‌رو شد، زیرا هم کنگره آمریکا با دولت اوپاما برای دست زدن به اقدام نظامی همراهی نکرد، هم روسها با طرح خلع سلاح شیمیایی سوریه بهانه حمله را از دست اوپاما بیرون آوردند. با اینکه این آموزه به خوبی توان توضیح رفتار دولت اوپاما در برابر رویدادها در سوریه را دارد، اما در محافل دانشگاهی توافق چندانی بر سر چنین آموزه‌ای نیست. برای نمونه، گیورولا سیاست اوپاما را آمیزه‌ای از «تناقض و سر و صداهای بیهوده» و «معمایی بی‌پاسخ» بویژه از نظر رفتار متمایز آمریکا در برابر کشتار مردمان لیبی به دست قذافی و کشتار مردمان سوری به دست بشار اسد و نوع واکنش به آن می‌داند (Guiora, 2013:252-263) همچنین، فرید ذکر با اقدامات دولت اوپاما را «متناقض» و «خاص خودش» معرفی می‌کند. (Zakaria, 2011) از دید سیمون چسترمان، به سختی می‌توان عنوان آموزه را در مورد اقدامات اوپاما در برابر بحران سوریه به کار برد. (Chesterman, 2011:10) کاگان نیز نبود یک استراتژی منسجم در مورد سوریه را مشکل جدی دولت اوپاما می‌دانست (Kagan, 2014:2) با این همه، موافقان اوپاما برآنند که میان اقدامات اوپاما در عرصه سیاست خارجی گونه‌ای پیوستگی و انسجام وجود دارد و می‌توان بر آنها عنوان «آموزه اوپاما» نهاد. کاتلین باکلی از کسانی است که همچون کسینجر، سیاستهای آمریکا در لیبی و سوریه را سازگار با هم می‌داند. به باور او گرچه بسترهای اجرای سیاست مداخله بشردوستانه در دو کشور متفاوت است اما در بعد نظری همسانیهایی دارند. (Buckley, 2012:89)

این استراتژی گرچه در آغاز کار خوب پیش رفت و پیامدهای آشکاری به صورت افتادن بخشهای

وجهه خود است به گونه‌ای که حتا همپیمانان منطقه‌ای آمریکا همچون عربستان ناامید شده و راه خویش را برای پایان دادن به بحرانهای منطقه‌ای دنبال می‌کنند. پس در محیطی که ناامنی از راه تروریسم بازتولید می‌شود و رقیب تنها در اندیشه افزایش قدرت خود است، تنها چاره، پیگیری سیاستهای تهاجمی است. از این رو دونالد ترامپ، هم دستور بازنگری در برنامه‌های هسته‌ای ایالات متحده را داده است و هم دست به آزمایشهای هسته‌ای تازه می‌زند؛ هم به مسکو پیام هشدارآمیز می‌دهد و تهدید به اعمال تحریمهای بیشتر می‌کند، هم مستقیم و بی‌آنکه نتیجه تحقیقات سازمان ملل در مورد حمله شیمیایی در خان شیخون روشن شده باشد دست به پرتاب موشک می‌زند. دونالد ترامپ همانگونه که پیش از انتخابات وعده داده بود، می‌خواهد آمریکا را نیرومند سازد و کوتاهترین راه نیرومندسازی آمریکا را در حوزه نظامی می‌بیند. این کار از چند راه صورت می‌گیرد: ۱- نمایش قدرت با آزمایش جنگ‌افزارهای تازه و ویرانگر همانند آزمایش «مادر بمبها» در افغانستان، آزمایش بمب هسته‌ای، پرواز دادن هواپیماهای فوق مدرن بر فراز کره شمالی؛ ۲- نشان دادن واکنشهای سریع و قاطع به رویدادهای گوناگون همچون درهم کوبیدن پایگاه نظامی شعیرات در سوریه و بمباران مناطق مرزی سوریه و عراق؛ ۳- افزایش بودجه نظامی و پژوهشها در این زمینه. در زیر، با بهره‌گیری از این بستر نظری، به تبیین سیاست آمریکا در برابر بحران سوریه می‌پردازیم.

### سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه:

#### بن‌مایه و هدفها

از زمان پایان گرفتن جنگ جهانی دوم تا امروز، منطقه خاورمیانه از بحرانی‌ترین مناطق جهان بوده است. خاورمیانه به‌علت جایگاه ژئوپلیتیکی و

بودن «اقدامهای او در سوریه (Middle East Eye, 2017) و در پاره‌ای دیگر، از «نبود استراتژی» سخن به‌میان آمده است. (Press TV, 2017) با این همه، چنین پیداست که استراتژی آمریکا از سیاست مداخله غیرمستقیم و محدود، به‌سوی مشارکت مستقیم در جنگ و نیز ایجاد مناطق امن با کمک روسیه رفته است. این استراتژی کمابیش به آنچه ترامپ پیش از پیروزی در انتخابات، خطر داعش می‌خواند نزدیک است، به‌گونه‌ای که دولتمردان در کاخ سفید، امروزه هدف نخست آمریکا در سوریه را مبارزه با داعش اعلام می‌کنند. (Toosi, 2017) گرچه به ادعای آمریکا در زمینه مبارزه با داعش نمی‌توان چندان اطمینان داشت و اخبار میدانی جنگ در سوریه گویای انتقال نیروهای داعش از شهر رقه به دیرالزور با بالگردهای آمریکا پیش از سقوط کامل شهر است، اما روشن است که آمریکا تمرکز خود را بر شمال و بخش خاوری سوریه متمرکز کرده و بیش از پیش به نیروهای دموکراتیک خلق در مبارزه با داعش متکی شده است.

برداشت آمریکا از حضور نظامی روسیه در سوریه این است که روسیه در پی دگرگون کردن چهره خاورمیانه متناسب با خواست خویش است و در این راه با ایالات متحده همراهی نمی‌کند. از دید ساکنان تازه کاخ سفید، شأن و جایگاه آمریکا در خاورمیانه به بازی گرفته شده و این کشور درحال از دست دادن

● چنین پیداست که استراتژی آمریکا از سیاست مداخله غیرمستقیم و محدود، به‌سوی مشارکت مستقیم در جنگ و نیز ایجاد مناطق امن با کمک روسیه رفته است. این استراتژی کمابیش به آنچه ترامپ پیش از پیروزی در انتخابات، خطر داعش می‌خواند نزدیک است، به‌گونه‌ای که دولتمردان در کاخ سفید، امروزه هدف نخست آمریکا در سوریه را مبارزه با داعش اعلام می‌کنند.

● برداشت آمریکا از حضور نظامی روسیه در سوریه این است که روسیه در پی دگرگون کردن چهره خاورمیانه متناسب با خواست خویش است و در این راه با ایالات متحده همراهی نمی‌کند. از دید ساکنان تازه کاخ سفید، شأن و جایگاه آمریکا در خاورمیانه به بازی گرفته شده و این کشور در حال از دست دادن وجهه خود است به گونه‌ای که حتا همپیمانان منطقه‌ای آمریکا همچون عربستان ناامید شده و راه خویش را برای پایان دادن به بحرانهای منطقه‌ای دنبال می‌کنند. پس در محیطی که ناامنی از راه تروریسم بازتولید می‌شود و رقیب تنها در اندیشه افزایش قدرت خود است، تنها چاره، پیگیری سیاستهای تهاجمی است.

یاد کرد. در روند تازه، قالبهای معنایی و نیز قالبهای ساختاری در رفتار سیاست خارجی آمریکا دیده می‌شود و الگوهایی تازه در این روند پا گرفته است. از جمله این الگوها می‌توان از هژمونیک‌گرایی بین‌المللی، جنگ پیشدستانه، سیاست تغییر رژیم، دیپلماسی عمومی تهاجمی و همچنین گسترش نظامیگری در حوزه‌های پیرامون، بویژه خاورمیانه نام برد (دستمالچی، ۱۳۸۸: ۳۹۴). «حقوق بشر» فرصتهایی برای دولتهای نیرومند و دموکراتیک فراهم می‌آورد که با بهره‌گیری از آن می‌توانند بسیاری از دولتهای جهان سومی را زیر فشار بگذارند و آنها را وادار به پیروی از معیارهای جهانشمول تعریف شده در چارچوب تمدن و فرهنگ غربی کنند. بر همین پایه، در تعاریف تازه دولت بوش از حقوق بشر، این مقوله سخت با تروریسم گره زده شد و در پی آن، خاورمیانه به کانون اصلی سیاست حقوق بشری آمریکا تبدیل شد. (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۲۴۶) نومحافظه‌کاران که در دولت بوش بیشترین نفوذ و قدرت را داشتند، با توجه

برخورداری از ذخایر هنگفت انرژی و حوزه‌های تمدنی و ایدئولوژیک، محل برخورد منافع و درگیری میان قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است (نجات و جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹). راهبرد آمریکاییان در دهه‌های گذشته، همواره بر دگرگون کردن معادلات قدرت در خاورمیانه به سود خود و دوستان منطقه‌ای و به زیان دولتهای مخالف آن کشور در منطقه و دولتهای فرامنطقه‌ای رقیب آمریکا بوده است. (اقبال، ۱۳۹۱: ۱) سیاست آمریکا در خاورمیانه در چند دهه گذشته هدفهای راهبردی خاصی را دنبال کرده است: پشتیبانی از نظامهای اقتدارگرایی ضد کمونیست در منطقه (حسن‌زاد، ۱۳۹۴: ۱)، تضمین جریان انرژی منطقه به سوی غرب، پیشبرد فرایند به اصطلاح صلح خاورمیانه، تأمین و تضمین منافع اسرائیل، ستیز با اسلام سیاسی زیر عنوان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، رویارویی یا دست‌کم کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا و گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش برپا کردن دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و ترویج سکولاریسم در منطقه. (جوادی فتح، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷) به‌سختی دیگر، سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم دستخوش دگرگونی پارادایمی شد و از انزوایی به بین‌المللی‌گرایی تغییر کرد. این نکته را باید در نظر داشت که سیاست خارجی آمریکا در دو دهه گذشته از الگویی چرخشی پیروی کرده که در آن چند دهه درگیر شدن در مسائل بین‌المللی، جانشین چند دهه انزوایی شده و این چرخه تکرار شده است (نای، ۱۳۸۷: ۲۵۵).

این سیاست در دوران پس از جنگ سرد با دگرگونیهای الگویی و رفتاری همراه بوده است. این الگو، رفتارهای خاص خود را پدید می‌آورد. از رفتارهای الگویی در این دوران، می‌توان از سیاستهایی چون سد نفوذ، بازدارندگی و موازنه قدرت استراتژیک

ساختار سیاسی موجود در منطقه خاورمیانه و تغییر رژیم در منطقه مطرح شد و پس از ۱۱ سپتامبر، در راهبرد تازه مبارزه با تروریسم آمریکا، حلقه محوری این نبرد در خاورمیانه دیده شد و همانند میدان مینی دانسته شد که ایالات متحده می‌بایست آنرا پاکسازی کند و به ریشه‌کنی تروریسم پردازد و خاکی را که این تروریسم و بنیادگرایی اسلامی در آن رشد می‌کند، شخم بزند. در راهبرد کلان آمریکا کشورهایی همچون عراق، لیبی، سوریه و ایران بعنوان تهدیدهایی امنیتی برای آمریکا شمرده شدند و در سند راهبرد امنیت ملی این کشور از آنها با عنوان «هدفهای راهبردی» یاد شد (معاونت سیاست خارجی، ۱۳۸۱: ۳۱-۳۰). عراق در ۲۰۰۳ و لیبی در ۲۰۱۱ دستخوش دگرگونی رژیم سیاسی شدند. همزمان، فشارها بر ایران نیز افزایش یافت تا رفتار این کشور دگرگون شود. آمریکاییان دستیابی به توافق هسته‌ای در ۲۰۱۵ را برآیند فشار تحریمها و عقب‌نشینی ایران دانسته‌اند. به گفته جان کری و باراک اوباما توافق هسته‌ای، جهان را یک گام به صلح نزدیکتر کرده است. (Siebold, 2016) تنها مورد باقی‌مانده در میان تهدیدهای امنیتی برای آمریکا، سوریه بود. فشارها بر دولت سوریه همزمان با ناآرامیها در آن کشور در ۲۰۱۱ آغاز شد. آنچه در متهم کردن سوریه به پشتیبانی از تروریسم بسیار مهم است و همواره مایه سیاستهای دشمنانه آمریکا نسبت به سوریه شده، مسأله پشتیبانی آن کشور از حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب‌الله لبنان بوده است و آنچه پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به همکاری سوریه با آمریکا در مبارزه با تروریسم پایان داد، همین مسأله بود. زیرا پس از اینکه بوش جهان را به دو بخش «با ما یا بر ما» تقسیم کرد و گروههای جهاد اسلامی و حماس را در زمره گروههای تروریستی قرار داد، بشار اسد این سازمانها را «جنبشهای آزادیخواه» نامید و گفت که

به رهیافت واقعگرایی تهاجمی، حمله نظامی آمریکا به خاورمیانه را تشویق کردند. (متقی و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۰) پس از ۱۱ سپتامبر، از آنجا که برخی از استراتژیستهای سلطه‌گرا تنها راه تضمین حفظ ثبات در جهان را برتری و هژمونی ایالات متحده می‌دانستند، این کشور به‌گونه‌ای تهاجمی استراتژی‌بی را که تک قطبی بودن جهان را تداوم می‌بخشید، پیگیری کرد (سن شناس، ۱۳۸۴: ۱۳۴). بدین‌سان، واقعگرایی تهاجمی که هژمونی جهانی را مطلوب می‌یابد، دیدگاه حاکم بر تصمیم‌گیرندگان آمریکا شد. تفاوت این تصمیم‌گیرندگان با دیگر رهبران در دهه‌های گذشته، مقبولیت ارزشهای لیبرال در میان آنان و تلاششان در بهره‌گیری از قدرت برای گسترش این ارزشهاست. برعکس دوران جنگ سرد که آمریکا نقش پلیس را بازی می‌کرد، نومحافظه‌کاران دو نقش همزمان برای آمریکا بعنوان پلیس و چراغ دریایی در نظر گرفتند. دیگر سخن از گزینش میان دو گزینه آمریکا بعنوان نماد و آمریکا در نقش جنگجو، در میان نبود، بلکه هر دو گزینه در کنار هم نمادهای سیاست خارجی شدند. (دهشیار، ۱۳۸۶: ۹۶). از این‌رو موضوع دگرگونی

● دونالد ترامپ همانگونه که پیش از انتخابات وعده داده بود، می‌خواهد آمریکا را نیرومند سازد و کوتاهترین راه نیرومندسازی آمریکا را در حوزه نظامی می‌بیند. این کار از چند راه صورت می‌گیرد: ۱- نمایش قدرت با آزمایش جنگ‌افزارهای تازه و ویرانگر همانند آزمایش «مادر بمبها» در افغانستان، آزمایش بمب هسته‌ای، پرواز دادن هواپیماهای فوق مدرن بر فراز کره شمالی؛ ۲- نشان دادن واکنشهای سریع و قاطع به رویدادهای گوناگون همچون درهم کوبیدن پایگاه نظامی شعیرات در سوریه و بمباران مناطق مرزی سوریه و عراق؛ ۳- افزایش بودجه نظامی و پژوهشها در این زمینه.

● در تعاریف تازه دولت بوش از حقوق بشر، این مقوله سخت با تروریسم گره زده شد و در پی آن، خاورمیانه به کانون اصلی سیاست حقوق بشری آمریکا تبدیل شد. نومحافظه‌کاران که در دولت بوش بیشترین نفوذ و قدرت را داشتند، با توجه به رهیافت واقع‌گرایی تهاجمی، حمله نظامی آمریکا به خاورمیانه را تشویق کردند.

برعکس دوران جنگ سرد که آمریکا نقش پلیس را بازی می‌کرد، نومحافظه‌کاران دو نقش همزمان برای آمریکا بعنوان پلیس و چراغ دریایی در نظر گرفتند. دیگر سخن از گزینش میان دو گزینه آمریکا بعنوان نماد و آمریکا در نقش جنگجو، در میان نبود، بلکه هر دو گزینه در کنار هم نمادهای سیاست خارجی شدند.

جریان جنبشهای اجتماعی در خاورمیانه در ۲۰۱۱ هم به جای پشتیبانی از این دست جنبشها در کشورهای دارای حکومت واپسگرا و وابسته به آمریکا، سراغ کشورهای رفتند که یاری‌دهنده به نیروهای مقاومت در منطقه بودند و سوریه نیز در شمار آنها بود. در این راستا آمریکا می‌کوشید با شبیه‌سازی خیزشهای مردمی در دیگر کشورهای منطقه با آنچه در سوریه پیش آمده بود، این کشور را به سوی بحران پیش ببرد (مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۲ تیر ۱۳۹۲) و در این راه نیز بسیار موفق بود، اما برخلاف آنچه در دیگر کشورهای عربی رخ داد و آمریکا انتظار آنرا می‌کشید، اوضاع در سوریه به گونه دیگری رقم خورد.

در آغاز بحران در سوریه، هیلاری کلینتون، وزیر امورخارجہ آمریکا، بشار اسد را یک اصلاح‌طلب و تحصیلکرده نامید که دست به اصلاحات سیاسی خواهد زد. با دامنه‌دار شدن اعتراضات و درگیریها در سوریه، سیاست آمریکا در زمینه بحران سوریه نیز دگرگون شد. آمریکا در آغاز کوشید با حمایتهای محدود از

آنها مبارزان راه خدا هستند (روحی، ۱۳۸۸: ۶۵). پس از بوش، باراک اوباما در حال و هوایی بر سر کار آمد که در سایه سیاستهای جورج بوش، آمریکا به کشوری یک‌سونگر و خشن تبدیل شده و موجی از بی‌زاری از سیاست خارجی آن کشور در جهان بویژه در میان مسلمانان پدید آمده بود. تکیه بر نیروی نظامی برای دستیابی به هدفهای سیاست خارجی از ویژگیهای سیاست خارجی بوش بود و حتی در سالهای پایانی دولت او، برخی دوستان آمریکا و سازمانهای بین‌المللی که به باور نومحافظه‌کاران تندرو حاکم، مانع و دست و پاگیر بر سر راه رهبری نیرومندان جهانی ایالات متحده شمرده می‌شدند، از همان نقش مشورتی و مشروعیت‌دهنده به سیاستهای آمریکا نیز کنار گذاشته شدند (آزاده، ۱۳۹۲: ۷۶). شعار «تغییر»ی که اوباما در پهنه سیاست خارجی سرداد، بیشتر برای ترمیم چهره خشن و قانون‌گریز آمریکا در میان ملتها و دولت‌های جهان بود. او کوشید همان هدفهایی را که بوش با خشونت و تهدید نظامی در پی رسیدن به آنها بود، در چارچوب دیپلماسی پویا، همکاری و مشارکت دیگر کشورها و همپیمانان آمریکا برآورده سازد. رفتار اوباما در سوریه را نیز در همین چارچوب می‌توان ارزیابی کرد. (آزاده، ۱۳۹۲: ۷۷)

### نگاه آمریکا به بحران سوریه

#### در دوران باراک اوباما

بحران سوریه بزرگترین منازعه ژئوپلیتیکی پس از پایان جنگ سرد است. پس از جنگ سرد، هیچ بحران منطقه‌ای مانند بحران سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار نبوده است. اهمیت اثرگذاری بحران سوریه چنان است که به باور گروهی، شکل‌گیری خاورمیانه جدید در گرو روشن شدن تکلیف بحران سوریه است. (سجادپور، ۱۳۹۲: ۲-۱) آمریکاییان در



مخالفتان اسد، توازن قدرت نظامی میان دولت سوریه و مخالفان پدید آورد، اما با ورود روسیه به بحران داخلی سوریه، رویکرد موازنه‌گرایانه آمریکا با ناکامی بزرگی روبه‌رو شد، به‌گونه‌ای که دولتمردان در کاخ سفید به اشتباهات استراتژیک خود اعتراف کردند. (حسن‌زاد، ۱۳۹۴:۲). با این همه، آمریکا بر آن شد که از اوضاع پیش آمده، برای پیشبرد هدفهای خود در منطقه و بازیابی نفوذ از دست‌رفته خود بهره‌گیرد. از این‌رو با همکاری همپیمانان راهبردی خود در منطقه درصدد برآمد با فشار آوردن بر سوریه، رژیم آن کشور را به زانو درآورد و یکی از چالشهای اصلی خود در خاورمیانه را از میان بردارد. این کار می‌توانست با دگرگونیهای ژئوپلیتیکی، وزن ژئوپلیتیکی آمریکا و همپیمانانش را در منطقه افزایش دهد (میرزاده، ۱۳۹۰:۳). در همین راستا ویلیام برنز معاون وزیر امور خارجه آمریکا اعلام کرد: «ما باید یک استراتژی تعریف شده و تکامل یافته برای بهره‌گیری از این فرصتها تعریف کنیم» (صفدری، ۱۳۹۰:۲).

واشنگتن در دوران ریاست جمهوری اوباما رویکرد سیاسی همراه با نظامیگری کم‌مایه در بحران سوریه را در دستور کار خود قرار داده بود. این شیوه، با توجه به پرشمار بودن بازیگران در بحران و عدم تمایل به بهره‌گیری از نیروی هژمون در برابر تصمیمات در پیش گرفته شده بود. بواقع، بحران سوریه نمود بارزی از آنارشیک بودن نظام بین‌الملل در پازل کوچکی است که حالتی آشفته پدید آورده است. این آشفستگی، ناشی از تعارض آرا و تفاوت‌های ماهوی طرفهاست (فرهادی، ۱۳۹۵:۱). دولت آمریکا در فرایند بحران سوریه، کاهش نفوذ و اثرگذاری ایران در منطقه را بعنوان یک سود امنیتی - راهبردی دنبال کرده است (شیخ‌الاسلامی و بیکی، ۱۳۹۲:۱۶۶). این امر از آن‌رو بخشی از منافع اصلی آمریکا در بحران سوریه به‌شمار

می‌رود که واشنگتن، ایران را محور مقاومت در منطقه می‌داند و بر این باور است که با سرنگون کردن بشار اسد می‌تواند یکی از پایگاههای اصلی نفوذ ایران در معادلات منطقه‌ای را از میان ببرد و از این راه به منافع امنیتی مهمی چون تضمین بقای رژیم اسرائیل، مبارزه با اسلام سیاسی و تروریسم دست یابد (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱:۱۰۷). مخالفت روسیه و چین با غرب در بحران سوریه، تاکنون یکی از دلایل عدم قاطعیت آمریکا در سیاستهایش در برابر این بحران بوده است زیرا با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی بحران سوریه بویژه از لحاظ امنیت اسرائیل، آمریکا به موافقت و همراهی قدرتهایی چون روسیه و چین در این زمینه نیاز دارد. این موضوع، سیاست آمریکا در برابر بحران سوریه را از سیاست آن کشور در برابر بحرانهای افغانستان، عراق و تا اندازه‌ای لیبی از لحاظ نادیده گرفتن مخالفت روسیه و چین متمایز می‌کند (بهبهانی، ۱۳۹۱:۱). همه تلاشهای آمریکا در چارچوب سازمان ملل متحد برای فشار آوردن بر سوریه از راه وضع قطعنامه‌های گوناگون از جمله درباره منطقه پرواز ممنوع و... با ناکامی روبه‌رو شده است. سازمان ملل هم نتوانست از بحران انسانی در سوریه پیشگیری کند و پاسخ مناسبی به بحران آوارگان دهد. هر بار نیز که فرصتی برای وارد کردن فشار نظامی بر سوریه به بهانه‌های گوناگون همچون داشتن جنگ‌افزار شیمیایی و کاربرد آن (سال ۲۰۱۳) پیش آمد، روسیه این بهانه را از دست آمریکا گرفت. نتیجه این شد که اوباما به همپیمانان منطقه‌ای خود یعنی عربستان، ترکیه و قطر دلخوش باشد تا شاید حمایت‌های نظامی و مالی آنها از گروههای معارض سوری و داعش، رژیم اسد را به پایان کارش نزدیک سازد. در حقیقت دولت اوباما همان‌گونه که وعده داده بود قصد نداشت ایالات متحده را وارد جنگ تازه‌ای کند و تنها به پشتیبانی محدود

● شعار «تغییر»ی که اوباما در پهنه سیاست خارجی سرداد، بیشتر برای ترمیم چهره خشن و قانون گریز آمریکا در میان ملتها و دولتهای جهان بود. او کوشید همان هدفهایی را که بوش با خشونت و تهدید نظامی در پی رسیدن به آنها بود، در چارچوب دیپلماسی پویا، همکاری و مشارکت دیگر کشورها و همپیمانان آمریکا برآورده سازد. رفتار اوباما در سوریه را نیز در همین چارچوب می توان ارزیابی کرد.

نداشت، در انتخابات حضور یافت و با وجود مخالفت با ساختار سیاسی آمریکا، به پیروزی رسید. ترامپ نه برای ساختارهای سیاسی آمریکا ارزش قایل است، نه به اصول پذیرفته شده سیاست خارجی آمریکا بها می دهد، نه به پیمانهای بین المللی و ضوابط حقوق بین الملل پایبندی نشان می دهد. ترامپ اهل رایزنی با نهادهای سیاسی و اطلاعاتی و اندیشکده ها در آمریکا نیست و سخت ضد ساختار و خودمحور است. از این دیدگاه، دست کم چهل و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا «فردی استثنایی در کاخ سفید» به شمار می آید و از این رو خطوط اصلی سیاست خارجی آمریکا نیز بسیار «کدر و مبهم» است. (McAdams, 2016)

#### دونالد ترامپ و چشم انداز دگرگونیها در سوریه

پیروزی دونالد ترامپ جمهوریخواه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پرسشهای زیادی درباره آینده پرونده های منطقه غرب آسیا و بویژه بحران سوریه پیش آورده است. ترامپ انبوهی از پرونده های پیچیده و بی سرانجام منطقه ای را به ارث برده است، از قضیه فلسطین گرفته تا بحران عراق و سوریه و جنگ یمن و پدیده تروریسم که در داعش نمود یافته است. از دید بسیاری از کارشناسان، کابینه ترامپ تندروترین

نظامی از مخالفان اسد ادامه می داد و این سیاست برای موفقیت آمریکا در سوریه بسنده نبود. هنگامی که نیروهای سوری و هواپیماهای روسیه مواضع مخالفان را بمباران می کردند، بی بهره بودن مخالفان از پشتیبانی هوایی در جنگهای زمینی، آنان را در مناطق گوناگون از جمله در تدمر، حومه دمشق و حلب به مرز شکست نزدیکتر ساخت و سرانجام ورق را در جبهه نظامی به زیان مخالفان برگرداند. این شکستها چهره آمریکا را در جهان مخدوش ساخت و از اعتبار بین المللی آن کشور کاست. همچنین موجی از اعتراض به آمریکا به راه افتاد. (center for American progress, 2016)

برای نخستین بار پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا پروژه تازه ای را در جهان آغاز کرده و در آن ناکام مانده بود. این دلسردی حتی همپیمانان آمریکا در منطقه را نیز دربر گرفت و برخی همچون ترکیه بهتر دیدند که خودشان درصدد تأمین امنیت خود برآیند و در این راستا به اشغال مناطق شمالی سوریه و هم مرز با کشور خود روی آوردند؛ اقدامی که کار را به رویارویی با کردهای همپیمان آمریکا (جبهه دموکراتیک) و معارض دولت سوریه کشاند (Liebich, 2017)

کارهای تروریستی داعش در اروپا و در مواردی محدود در آمریکا باعث شد که شهروندان آمریکا داعش را خطری جدی برای امنیتشان به شمار آورند. با اینکه بیش از ۷۷ درصد آمریکاییان بر لزوم نابودی داعش و دست زدن به اقدام جدی آمریکا در برابر آن تأکید داشتند (Zoellick, October 16, 2016)، دولت اوباما به جای هرگونه طرح نظامی به تلاشهای سیاسی و دیپلماتیک بسنده کرد. دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ۲۰۱۶، سیاست اوباما در زمینه بحران سوریه را «ناکارآمد و ضعیف» خواند و خواستار مبارزه جدی با داعش شد (Krayevski, 2017) ترامپ با اینکه پیشینه ای در کارهای دولتی و حکومتی

جهانی و پرداختن به مسائل داخلی است، نکرده است؛ حتا تغییری در جایگاه آمریکا در جهان که پیوسته از بهبود آن سخن می‌گفته، نداده است. (Dombrowski, 2017:1035) در برابر، با کناره‌گیری از پیمان تغییرات آب و هوایی پاریس، خروج از پیمان بازرگانی با مکزیک، ناکارآمد دانستن ناتو (The New York Times, 2016; Birnbaum, 2017) و کاهش مشارکت مالی در آن، مخالفت با برجام و بازنگری در قراردادهای گوناگون این کشور در سطح جهانی و... جایگاه آمریکا را نزد دیگر کشورها به خطر انداخته است.

با این همه، هواداران ترامپ برآنند که برنامه‌های او بسیار روشن است و او با فرستادن پیام‌های صریح به ایران و کره شمالی جایگاه آمریکا در جهان را زنده کرده و قدرت آن کشور را به نمایش گذاشته است؛ با لغو قراردادهای بازرگانی و بازنگری در آنها به شعار خود یعنی «نخست آمریکا» پایبند مانده و در قضیه سوریه نیز کارنامه‌ای بسی بهتر از اواما دارد. ترامپ چه در جریان انتخابات و چه پس از به‌دست گرفتن قدرت، آشکارا اعلام کرده بود که اولویت وی در سوریه پیروزی بر داعش است، نه نظام حاکم بر این کشور (Secretary of State, 2017)؛ اما رقیب او هیلاری کلینتون گفته بود که سیاست مردم اواما در سوریه را کنار خواهد گذاشت و پشتیبانی از معارضان میانه‌رو بویژه کردها و اهل سنت سوریه را افزایش خواهد داد. از دید هواداران ترامپ، او به این وعده خود وفا کرده و اکنون تنها بر مبارزه با داعش در مناطق شمالی و خاوری سوریه متمرکز شده است. آنان حمله به پایگاه هوایی الشعیرات را کاری واقع‌گرایانه می‌دانند که پیام روشنی به بشار اسد فرستاده است. دولت آمریکا در دوران ترامپ نشان داده است که آنچه را احساس کند در ظاهر موجه است انجام خواهد داد حتا اگر شکلی

کابینه آمریکا دست کم در دو دهه گذشته است و در آن، جنگ‌طلب‌ترین و تندروترین جمهوریخواهان گرد آمده‌اند. آنان در سنجش با اعضای کابینه اواما، سخت ایدئولوژیک هستند. در این جمع، شمار ژنرالها چشمگیر است و در پس زمینه ذهنی بیشتر آنان در مورد هر مسئله، گزینه نظامی نقش برجسته دارد. (یزدان‌فام، ۱۳۹۵:۱۴۴) دونالد ترامپ پیش از پیروزی در انتخابات، با مداخله آمریکا در جنگ داخلی سوریه مخالفت کرده بود. او در توثیتی در ۳۰ اوت ۲۰۱۳ نوشت «اگر اواما به سوریه حمله کند و شهروندان بیگناه آن زخمی و کشته شوند، او و آمریکا در چشم دیگران بد جلوه خواهند کرد... رئیس‌جمهوری باید پیش از هرگونه حمله به سوریه موافقت کنگره را به‌دست آورد و اگر این کار را نکنند خطای بزرگی مرتکب شده است». (Geowatch, 2017:1) وی همچنین در ۲۰۱۵ درباره رژیم اسد گفت «شک نکنید که اسد آدم بدی است اما چه بسا بدتر از او را هم تجربه کنید». (CNN, 2015) با این سخنان، بسیاری کسان درباره اینکه آیا وی برای تأمین منافع ملی آمریکا استراتژی ویژه‌ای داشته باشد تردید کردند و از نبود چنین استراتژی سخن گفتند. (Baker, 2017) حتا برخی پژوهشگران از این نیز فراتر رفتند و با ارزیابی دوران شش ماهه نخست ریاست جمهوری او نتیجه گرفتند که ترامپ هیچ تلاشی برای پیاده کردن استراتژی کلان خود با شعار «نخست آمریکا» (America first) که معنای آن کنار کشیدن از مسائل

● بحران سوریه بزرگترین منازعه ژئوپلیتیکی پس از پایان جنگ سرد است. پس از جنگ سرد، هیچ بحران منطقه‌ای مانند بحران سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار نبوده است. اهمیت اثرگذاری بحران سوریه چنان است که به باور گروهی، شکل‌گیری خاورمیانه جدید در گرو روشن شدن تکلیف بحران سوریه است.

● مخالفت روسیه و چین با غرب در بحران سوریه، تاکنون یکی از دلایل عدم قاطعیت آمریکا در سیاستهایش در برابر این بحران بوده است زیرا با توجه به اهمیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی بحران سوریه بویژه از لحاظ امنیت اسرائیل، آمریکا به موافقت و همراهی قدرتهایی چون روسیه و چین در این زمینه نیاز دارد. این موضوع، سیاست آمریکا در برابر بحران سوریه را از سیاست آن کشور در برابر بحرانهای افغانستان، عراق و تا اندازه‌ای لیبی از لحاظ نادیده گرفتن مخالفت روسیه و چین متمایز می‌کند.

آماده است. از این رو، این نکته را می‌توان نشانه‌ای از دگرگونی جدی در سیاستهای آمریکا نسبت به بحران سوریه دانست. (مجبعلی، ۱۳۹۶:۱)

این اقدام ترامپ، که زمانی به او باما هشدار می‌داد در مسائل سوریه دخالت نکند، چرخشی ایستاری شمرده می‌شود. او که در شعارهای انتخاباتی‌اش تأکید می‌کرد «نخست آمریکا»، اکنون دریافته است که حتا اگر پیش از هر چیز بخواهد به آمریکا بپردازد، چه بسا راهکار در بیرون از آمریکا باشد؛ برای رونق بخشیدن به اقتصاد آمریکا و هم‌اوردی اقتصادی با چین، شاید به محرک تازه‌ای همچون رویدادهای ۱۱ سپتامبر و جنگ افروزی در جهان نیاز باشد؛ بنابراین ترامپ باکی از آن ندارد که بار دیگر آتش جنگ را در بخشی از جهان شعله‌ور سازد تا تنور اقتصاد آمریکا گرم شود. او آشکارا از «دوشیدن عربستان» و بهره بردن از «دلارهای نفتی» آن سخن گفته است. (Middle East Press, 2015) بهای این آتش‌افروزیها می‌تواند از راه فروش جنگ‌افزار به برخی کشورهای خاورمیانه و مهمتر از همه عربستان تأمین شود؛ همچنان‌که ترامپ در نخستین سفر خارجی‌اش، در جریان دیدار از عربستان به بهانه رویارویی با خطر ایران در منطقه ۱۱۰

یکجانبه داشته باشد و از مرجعی داخلی یا بین‌المللی برای آن مجوز گرفته نشده باشد. (Jeffrey, 2017:1) در واقع ترامپ بحران سوریه را همچون یک «بازی بزرگ ژئواستراتژیک» می‌بیند که آینده آمریکا را در منطقه رقم خواهد زد. در این بازی بزرگ اسرائیل، ترکیه، کردهای سوریه و داعش نقش خود را بازی خواهند کرد. حمله‌های ترکیه به بخشهای شمالی سوریه، حمله‌های اسرائیل به نیروهای حزب الله در فرودگاه دمشق، عملیات کردهای عراق و آمریکا، همگی در راستای عقب راندن ایران و روسیه از سوریه است و این، همان چیزی است که همپیمانان آمریکا در منطقه یعنی اسرائیل و عربستان می‌خواهند. آنچه ترامپ در سوریه دنبال می‌کند یک «جنگ خوب» با تلفات اندک، پشتیبانی بین‌المللی چشمگیر و پیروزی در آن است. (Jeffrey, 2017:2) گرچه داعش دیگر نمی‌تواند نظم منطقه‌ای در خاورمیانه را رقم زند، اما از دید ترامپ، ایران و همپیمانانش می‌توانند چنین کاری انجام دهند؛ پس هر اقدامی در خاورمیانه باید بر مهار کردن ایران متمرکز باشد. تقویت نیروهای دموکراتیک کرد در شمال سوریه و تحریک کردهای عراق برای اعلام استقلال، بخشی از استراتژی تازه آمریکا برای زمینگیر کردن ایران در منطقه بوده است. این فشارها در جبهه سیاسی با تبلیغات منفی دربارهٔ برجام و پیامدهای آن برای جهان و در جبهه اقتصادی با وضع تحریمهای تازه افزایش خواهد یافت.

نکته درخور توجه اینکه سیاست ترامپ در سوریه حتا با همراهی دموکراتها در کنگره روبه‌رو شده است. با اینکه وی برای حمله نظامی به پایگاه هوایی الشعیرات سوریه اجازه‌ای از کنگره نگرفته بود، نه تنها مخالفتی جدی با او در سطح کشور نشد، که نمایندگان کنگره همگی این اقدام را ستودند. همین، نشان می‌دهد که فضای داخلی آمریکا برای اقدامات نظامی بعدی

(Weiss, 2017) با توجه به نقش کنونی روسیه در بحران سوریه، روشن است که ترامپ ترجیح می‌دهد نخست مسائل را از راه همکاری با روسیه حل کند و چنانچه با چنین راهبردی موفق نشود، دست به اقدام نظامی مستقیم بزند. کسانی برآند که دولت آمریکا می‌خواهد با امتیاز دادن به روسیه و برقراری روابط نزدیک با آن کشور، روسیه را از چین دور کند. (Tisdall, 2016) اگر چنین هدفی پیگیری شود، اوضاع در سوریه نیز تا اندازه زیادی دگرگون می‌شود و می‌تواند پیامدهای خوشایندی برای دیگر بازیگران خارجی و دولت سوریه داشته باشد. اما این کار در گرو گذشت زمان است، زیرا اوضاع داخلی آمریکا هنوز برای نزدیکی بیشتر آمریکا و روسیه آماده نیست. موضوع دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هر روز بیشتر گریبانگیر ترامپ و نزدیکانش می‌شود و کناره‌گیری وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی و... مخالفان دموکرات وی را راضی نکرده است و آنان به فشارهای خود ادامه خواهند داد. بدین سان، شاید در دسترس‌ترین گزینه، باز گذاشتن دست همپیمانان منطقه‌ای برای گفت‌وگو با طرفهای روس و ایرانی برای حل موقت بحران سوریه باشد، چنان‌که در گفت‌وگوهای صلح سوریه در ۲۳ و ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ در آستانه قزاقستان، طرفها توافق کردند که بخشهایی از سوریه را منطقه پرواز ممنوع اعلام کنند و نیروهایی از ترکیه، ایران و روسیه برای کاستن از شدت تنشها منطقه حائل ایجاد کنند. آمریکا می‌خواهد اصول لیبرالیستی موسوم به «ارزشهای آمریکایی» را در جهان عرب از جمله در سوریه پیاده کند و بهترین و کم‌هزینه‌ترین سناریو برای واشنگتن، براندازی حکومت سوریه به دست خود سوریهاست، اما این درگیری نباید به گونه‌ای باشد که تدروها که چه بسا در مرحله بعدی ضد آمریکایی می‌شوند، به قدرت برسند. (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۷)

میلیارد دلار جنگ‌افزار فروخت. (Manson, 2017) ولی این، همه استراتژی ترامپ برای موفقیت در بحرانهای منطقه و بویژه در سوریه نیست. رکس تیلرسون وزیر امورخارجه آمریکا گفته است «در ژنو یک فرایند سیاسی تازه را آغاز خواهیم کرد تا ساختار حکمرانی در سوریه اصلاح شود. از دیدگاه ما این اقدام به برکناری بشار اسد خواهد انجامید». (اقتصاد آنلاین، ۱۹ فروردین ۱۳۹۶) پس گزینه سیاسی نیز همچنان پیش روی آمریکا قرار دارد.

از دید ترامپ، روسیه متحد طبیعی آمریکا در مبارزه با تروریسم در جهان است. به باور او پوتین رهبری مقتدر و قابل احترام است و آمریکا باید در پی بازسازی روابط با مسکو و گسترش آن باشد. «واشنگتن این آمادگی را دارد که در سوریه با مسکو همکاری نزدیک داشته باشد و دوشادوش یکدیگر به ستیز با تندروی بپردازند. در اوکراین و دیگر مناطق جهان، همکاری دو کشور می‌تواند بسیار سودمند و کارساز باشد». (De Young and Rucker, 2017) این همان کاری است که از دید ترامپ، دولت اوباما از انجام دادن آن ناتوان بود و روابط دو کشور را به وضعی بسیار شکننده رساند. (Eugene, Sokolsky and

● ترامپ نه برای ساختارهای سیاسی آمریکا ارزش قایل است، نه به اصول پذیرفته شده سیاست خارجی آمریکا بها می‌دهد، نه به پیمانهای بین‌المللی و ضوابط حقوق بین‌الملل پایبندی نشان می‌دهد. ترامپ اهل رایزنی با نهادهای سیاسی و اطلاعاتی و اندیشکده‌ها در آمریکا نیست و سخت ضد ساختار و خودمحمور است. از این دیدگاه، دست کم چهل و پنجمین رییس جمهوری آمریکا «فردی استثنایی در کاخ سفید» به‌شمار می‌آید و از این رو خطوط اصلی سیاست خارجی آمریکا نیز بسیار «ناروشن و مبهم» است.

● از دید بسیاری از کارشناسان، کابینه ترامپ تندروترین کابینه آمریکا دست کم در دو دهه گذشته است و در آن، جنگ طلب‌ترین و تندروترین جمهوریخواهان گرد آمده‌اند. آنان در سنجش با اعضای کابینه اوباما، سخت ایدئولوژیک هستند. در این جمع، شمار ژنرالها چشمگیر است و در پس زمینه ذهنی بیشتر آنان در مورد هر مسئله، گزینه نظامی نقش برجسته دارد.

سوری و آوارگی آنان در کشورهای همسایه می‌شود؛  
- مداخله بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور سوری و آثار آن بر موازنه قدرت در منطقه و جهان.

آنچه اکنون امنیت ایالات متحده و منافع آن کشور در سوریه را به خطر انداخته است، می‌توان چنین برشمرد:

- به قدرت رسیدن عناصر و گروههای تندرو در برخی از بخشهای سوریه و پیدا شدن جاهایی امن برای آموزشهای تروریستی؛

- دسترسی بازیگران غیردولتی به جنگ‌افزارهای شیمیایی و کاربرد آن؛

- افزایش جنگ‌افزار در دست طیف گسترده‌ای از بازیگران غیر دولتی در سوریه؛

- نابودی مناطق شهری بزرگ و زیرساختهای اقتصادی سوریه که منجر به بی‌خانمان شدن شهروندان

دولت اوپاما	دولت ترامپ
تأکید بر کناره‌گیری بشار اسد از قدرت	اعلام تقدم مبارزه با داعش بر سرنگونی بشار اسد
تلاشهای دیپلماتیک برای اقناع بشار اسد به کناره‌گیری از قدرت	پذیرش حضور اسد در قدرت بعنوان بخشی از راهکار موقت پایان دادن به بحران
شرکت کردن مستقیم در گفت‌وگوهای ژنو	شرکت کردن غیر مستقیم در گفت‌وگوهای آستانه
سرد کردن روابط با روسیه و مخالفت با حضور نظامی آن	رایزنی با روسیه برای متوقف شدن عملیات نظامی
تقویت و تشویق همپیمانان منطقه‌ای آمریکا برای دخالت مستقیم در بحران از راه حضور نظامی	درخواست از همپیمانان آمریکا برای همراهی با سیاستهای آن کشور و پرهیز از اقدام خودسرانه (مورد ترکیه)
فشار آوردن به دولت سوریه در چارچوب سازمان ملل و شورای امنیت	ادامه دادن فشار بر دولت سوریه از راه سازمان ملل و شورای امنیت
تلاش برای بیرون آوردن مناطق شهری از کنترل دولت	پیگیری موضوع ایجاد منطقه امن
تهدید به اقدام نظامی	حمله نظامی (به پایگاه شعیرات)
پشتیبانی از همه گروههای مخالف بشار اسد، از داعش گرفته تا کردهای شمال سوریه، در کنار رویارویی با اعضای القاعده	جدا کردن داعش، جبهه النصره و القاعده از معارضان سوری و پشتیبانی از گروههای میانه‌رو
آموزش و پشتیبانی نظامی از گروههای معارض سوری	آموزش و پشتیبانی نظامی از برخی گروههای معارض سوری

(Humud, Blanchard and Nikitin, 2017:23)

همچنین، دولتمردان آمریکایی نگران آنند که بحران سوریه اولویت‌های دیپلماسی آمریکا را دگرگون کند، از جمله اینکه نگاهها از ایران متوجه سوریه شود و ایران برنامه‌های هسته‌ای خود را از سر گیرد تا اینکه آمریکا نتواند به اندازه کافی به مسائل حقوق بشری پردازد و نیز قواعد مربوط به حقوق بشردوستانه بین‌المللی کم‌رنگ شود. بحران سوریه حتی ممکن است اعتبار و کارایی نهادهایی همچون سازمان ملل را زیر سؤال ببرد. از این‌رو دولت ترامپ خواستار فعال شدن نقش نماینده سازمان ملل در حل بحران سوریه از راه مشارکت و گفتگوی مستقیم با طرفهای درگیر است. چنین پیداست که ایالات متحده در کوتاه‌مدت راه‌حلی برای بحران سوریه سراغ ندارد و امیدوار است شاید گذشت زمان و فرسایشی شدن جنگ، هم فرصت تعدیل مواضع بازیگران را فراهم کند و هم اینکه در این مدت آمریکا بتواند با بمبارانهای هوایی، برخی از رهبران گروههای تندرو و تروریست را از میان بردارد. این نکته را هم نباید از یاد برد که ترامپ سخت از کارهای هبجانی و جنجالی استقبال می‌کند و از این‌رو هرگونه خطای محاسباتی از سوی دولت بشار اسد، یا فراهم شدن زمینه برای عرض اندام بیشتر روسیه،

● دولت آمریکا در دوران ترامپ نشان داده است که آنچه را احساس کند در ظاهر موجه است انجام خواهد داد حتی اگر شکلی یکجانبه داشته باشد و از مرجعی داخلی یا بین‌المللی برای آن مجوز گرفته نشده باشد. در واقع ترامپ بحران سوریه را همچون یک «بازی بزرگ ژئواستراتژیک» می‌بیند که آینده آمریکا را در منطقه رقم خواهد زد. آنچه ترامپ در سوریه دنبال می‌کند یک «جنگ خوب» با تلفات اندک، پشتیبانی بین‌المللی چشمگیر و پیروزی در آن است.

می‌تواند بار دیگر دولت ترامپ را به نشان دادن واکنش نظامی در سوریه تشویق کند.

### بهره سخن:

جایگاه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه، در طرحهای راهبردی غرب و بویژه ایالات متحده اهمیت ویژه دارد. افزون بر این، پایبندی کشورهای غربی به پاسداری از امنیت اسرائیل، عاملی است که بر اهمیت خاورمیانه و بویژه کشور راهبردی سوریه برای غرب می‌افزاید. در سوریه، هم اوباما رژیم بشار اسد را ناقض حقوق بشر و غیرمردمی می‌دانست و هم ترامپ چنین می‌گوید. بدین‌سان، کنار گذاشتن او از قدرت یک دستور کار جدی است. اما شیوه انجام دادن این کار مطرح است. در حالی که اوباما با پشتیبانی از مخالفان بشار اسد و تکیه بر همپیمانان منطقه‌ای آمریکا امیدوار بود بتواند رئیس‌جمهوری سوریه را از قدرت برکنار کند و اقدام نظامی را گزینه دوم خود قرار داده بود، ترامپ نمی‌خواهد سیاستهای اوباما در مورد سوریه را دنبال کند. او ترجیح می‌دهد بیشتر بر مبارزه با داعش تمرکز کند تا بر برانداختن رژیم سوریه. او خطر داعش برای امنیت ملی آمریکا را بیش از خطر بشار اسد می‌داند و از این‌رو در کوتاه مدت می‌کوشد راهکاری برای پایان دادن به حضور داعش در سوریه بیابد. او در جریان رقابتهای انتخاباتی، آشکارا هیلاری کلینتون و اوباما را از جهت راه‌اندازی داعش و پشتیبانی از آن سرزنش کرد، سیاستهای آنان را ناکارآمد خواند و بر لزوم زنده کردن قدرت و شکوه آمریکا تأکید ورزید. از دید ترامپ، نشان دادن شکوه و قدرت آمریکا در پیامهایی است که برای جهان می‌فرستد. برای نمونه هنگامی که موضوع حمله شیمیایی به خان شیخون مطرح شد، بی‌درنگ با اقدام نظامی واکنش نشان داد. برعکس اوباما که بیشتر به ترکیه و عربستان و مخالفان

• ترامپ، که زمانی به اوباما هشدار می‌داد در مسائل سوریه دخالت نکند، اکنون دریافته است که حتی اگر پیش از هر چیز بخواهد به آمریکا پردازد، چه بسا راهکار در بیرون از آمریکا باشد؛ برای رونق بخشیدن به اقتصاد آمریکا و هم‌اوردی اقتصادی با چین، شاید به محرک تازه‌ای همچون رویدادهای ۱۱ سپتامبر و جنگ افروزی در جهان نیاز باشد؛ بنابراین ترامپ باکی از آن ندارد که بار دیگر آتش جنگ را در بخشی از جهان شعله‌ور سازد تا تنور اقتصاد آمریکا گرم شود. او آشکارا از «دوشیدن عربستان» و بهره بردن از «دلارهای نفتی» آن سخن گفته است.

<http://demo.cmess.ir/view/tabid/127/articleid/1638/default.aspx/dnnprintmode>

- آزاده، سجاد (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی اوباما در بحران سوریه، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، ۱(۱۵): ۸۸-۶۵»  
- برزگر، کیهان (۱۳۹۱)، «راه‌حل بحران سوریه در پذیرش نقش ایران توسط آمریکا»، خبرگزاری فارس، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۲/۱۶، برگرفته از:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13911219001293>

- بهبهانی، سیمین (۱۳۹۱)، «آمریکا و بحران سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۹ مهر ماه ۱۳۹۱.  
- جوادی فتح، سارا (۱۳۸۴)، «سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ»، راهبرد، ش ۳۵: ۳۹-۲۵

- حسن زاد، آرام (۱۳۹۴)، «جایگاه استراتژیک سوریه برای آمریکا و کشورهای غرب»، ایسکا نیوز، ۲ دی ماه ۱۳۹۴، آخرین بازیابی ۹۶/۳/۱ در <http://www.iscanews.ir/news>  
- دستمالچی، اصغر (۱۳۸۸)، سیاست خارجی آمریکا؛ الگو و روند، تهران، وزارت امور خارجه.

- دهشیار، حسین (۱۳۸۶)، «از لیبرالیسم قدرت نواز به نوماحافظه‌کاری ایده نواز»، مطالعات بین‌المللی، ۱۳(۴)  
- روحی دهبته، مجید و حسین کریمی فرد، (۱۳۹۳)،

بشار اسد متکی بود، او ترجیح می‌دهد از راه همراهی با روسها به مناطقی امن در سوریه دست یابد تا با فروکش کردن جنگ، امکان گفت‌وگو درباره آینده قدرت در این کشور فراهم شود و به جای آنکه دست همپیمانان منطقه‌ای خود را در سوریه باز گذارد، آنها را زیر کنترل گیرد و با خود همراه سازد. شاید بتوان اختلاف‌های آمریکا و ترکیه در دوران ترامپ را برآمده از همین سیاست دانست. این سیاستها روی هم رفته سبب شده است که تحلیلگران، استراتژی وی را به «مداخله مستقیم بیشتر» تعبیر کنند.

بر سرهم می‌توان گفت که سیاستهای ترامپ نه پیش‌بینی شدنی است، نه مورد انتظار. او آنچه را درست بیندارد، انجام خواهد داد و از این‌رو گزینه جنگ و اقدام نظامی برای پایان دادن به بحرانهای گوناگون همواره مطرح خواهد بود. بهای این سیاست، عزل و نصبهای مکرری است که در کابینه و در میان اطرافیان او در یکسال گذشته صورت گرفته است. از این‌روست که منتقدانش می‌گویند کابینه او را بی‌بهره از یک استراتژی مشخص معرفی و جایگاهش را متزلزل کنند. در جدول زیر، سیاستها و اقدامات ترامپ با سیاستها و اقدامات باراک اوباما در قبال سوریه سنجیده شده است:

## منابع

### الف فارسی

- اشرفی، اکرم، امیرسعید بابازاده جودی، (۱۳۹۴)، «سیاست خارجی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۳۲ (۸): ۴۳-۶۵.  
- اقبال، اسماعیل (۱۳۹۱)، «راهبرد آمریکا در قبال انقلاب‌های عربی»، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه ۳ اردیبهشت ۱۳۹۱، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۲/۱۶، در:



- «سوریه»، آفاق امنیت، ش ۲۰: ۱۶۶-۱۲۷.
- صفدری، حسین (۱۳۹۰)، «نگاهی به اولویتهای سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه در عصر انقلابها»، آخرین بازبینی ۹۶/۳/۱. در: [hajj.com/fa/articles/political-articles.../24-1390-29-07-19-47](http://hajj.com/fa/articles/political-articles.../24-1390-29-07-19-47)
- فرهادی، محمدرضا (۱۳۹۵)، «اولیتهای جدید سیاست خارجی آمریکا در سوریه»، سایت تحلیلی طنین، ۲۱ بهمن ۱۳۹۵، بازیابی شده در ۱۳۹۶/۲/۱۶، در: [tanincenter.com/conternt/486](http://tanincenter.com/conternt/486)
- متقی، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر براساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی»، تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۴: ۲۶-۱.
- محبعلی، قاسم (۱۳۹۶)، «آغاز فصل جدید در بحران سوریه»، اعتماد، ۱۹ فروردین ۱۳۹۶.
- معاونت سیاست خارجی (۱۳۸۱) «آمریکا و بازدارندگی هسته‌ای در خاورمیانه»، ۳۰ مهر ۱۳۸۱، ماهنامه برداشت اول، ش ۴. در <http://www.css.ir/per/index.html>
- میرزاده، مهدی (۱۳۹۰)، «اهداف ائتلاف غربی - عربی از افزایش فشارها بر سوریه»، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۲ آذرماه ۱۳۹۰.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت در عصر اطلاعات، از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میر ترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نجات، سیدعلی، و اصغر جعفری ولدانی، (۱۳۹۲)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در تحولات سوریه»، مطالعات خاورمیانه، ۱۷۱-۱۴۶: ۷۵.
- نیاکویی، سید امیر، و حسین بهمنش، (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها» روابط خارجی، ۴(۴): ۱۳۶-۹۷.
- یزدان فام، محمود (۱۳۹۵)، «سیاست خارجی ترامپ و «بیشینه‌سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین»، سیاست خارجی، ۳(۲۸): ۵۵۷-۵۵۱.
- روحی، مجید (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه بعد از ۱۱ سپتامبر»، مطالعات خاورمیانه، ش ۵۶: ۸۸-۵۵.
- ساجدی، امیر (۱۳۹۲)، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۲۴(۶): ۱۲۵-۱۵۵.
- سجادپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۲)، «سوریه، چالشی که اوباما را غافلگیر کرد»، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، آخرین بازبینی ۹۶/۳/۱، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/191587200/D8html>
- سلیمانی پورلک، فاطمه (۱۳۸۹)، قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سن شناس، دیانوش (۱۳۸۴)، «سیاست خارجی آمریکا از کلیتون تا بوش»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۱۷: ۱۵۴-۱۲۹.
- شیخ‌الاسلامی، محمد حسن و میثم بیکی، (۱۳۹۲)، «واکاوی نقش‌آفرینی و سیاست‌های فدراسیون روسیه در قبال بحران
- 
- با توجه به نقش کنونی روسیه در بحران سوریه، روشن است که ترامپ ترجیح می‌دهد نخست مسائل را از راه همکاری با روسیه حل کند و چنانچه با چنین راهبردی موفق نشود، دست به اقدام نظامی مستقیم بزند. کسانی برآنند که دولت آمریکا می‌خواهد با امتیاز دادن به روسیه و برقراری روابط نزدیک با آن کشور، روسیه را از چین دور کند. اگر چنین هدفی پیگیری شود، اوضاع در سوریه نیز تا اندازه زیادی دگرگون می‌شود و می‌تواند پیامدهای خوشایندی برای دیگر بازیگران خارجی و دولت سوریه داشته باشد. اما این کار در گرو گذشت زمان است، زیرا اوضاع داخلی آمریکا هنوز برای نزدیکی بیشتر آمریکا و روسیه آماده نیست.

● بر سرهم می‌توان گفت که سیاستهای ترامپ نه پیش‌بینی شدنی است، نه مورد انتظار. او آنچه را درست بیندارد، انجام خواهد داد و از این‌رو گزینه جنگ و اقدام نظامی برای پایان دادن به بحرانهای گوناگون همواره مطرح خواهد بود. بهای این سیاست، عزل و نصبهای مکرری است که در کابینه و در میان اطرافیان او در یکسال گذشته صورت گرفته است. از این‌روست که منتقدانش می‌کوشند کابینه او را بی‌بهره از یک استراتژی مشخص معرفی و جایگاهش را متزلزل کنند.

in Syria', **Journal of Strategic Security**, 2(5): 81-104.

- Carla E. Humud, et al (2017), "Armed Conflict in Syria: Overview and U.S Response", **Congressional Research Service** 7-5700, April 26, 2017, at: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33487.pdf>

- Center for American Progress (October 19, 2016), "Leveraging U.S. Power in the Middle East: a Blueprint for Strengthening Regional Partnerships, **the CAP Middle East Team**,

<https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2016/10/19/146283/leveraging-us-power-in-the-middle-East/>.

- Chesterman, Simon (2011) "Leading from Behind": The Responsibility to Protect, the Obama Doctrine, and Humanitarian Intervention after Libya", **New York University Public Law and Legal Theory Working Papers**. Paper 282: 1-11. Available on: [http://lsr.nellco.org/nyu\\_plltwp/282](http://lsr.nellco.org/nyu_plltwp/282).

- Clarke, Michael and Anthony Ricketts (2017), "Did Obama have a grand strategy?", **Journal of Strategic Studies**, 40(1,2):295-324.

- CNN, (2015), "Transcripts – New Day," Aired October 6, 2015, available at: <http://www.cnn.com/TRAN-SCRIPTS/1510/06/nday.03.html>.

جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره چهارم. صص ۱۶۴-۱۳۹.

(ب) انگلیسی

- Aslam, Mohammad I. (2017), "After the US Attack on Syria", **Foreign Policy Journal**, Apr 12, 2017, <https://www.foreignpolicyjournal.com/2017/04/12/after-the-us-attack-on-syria/>

- Baker, Peter, (2017) 'The emerging Trump Doctrine: don't follow doctrine', **New York Times**, 8 April 2017 <https://www.nytimes.com/2017/04/08/us/politics/trump-doctrine-foreign-policy.html?smprod=nyt-core-ipad&smid=nytcore-ipad-share>.

- BBC, (2015), "Syria Conflict: Putin Defends Russia's Air Strikes," October 12, 2015, available at <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-34502286>.

- Birnbaum, Michael, (2017) "European leaders shocked as Trump slams NATO and E.U., raising fears of transatlantic split," **The Washington Post**, January 16, 2017, at [https://www.washingtonpost.com/world/europe-leaders-shocked-as-trump-slams-nato-eu-raising-fears-of-transatlantic-split/2017/01/16/82047072-dbe6-11e6-b2cf-b67fe3285cbc\\_story.html?utm\\_term=.61f2f034725a](https://www.washingtonpost.com/world/europe-leaders-shocked-as-trump-slams-nato-eu-raising-fears-of-transatlantic-split/2017/01/16/82047072-dbe6-11e6-b2cf-b67fe3285cbc_story.html?utm_term=.61f2f034725a).

- Brands, Hal (2017) "Is American internationalism dead? Reading the national mood in the age of Trump", **War on the Rocks**, 16 May 2017, <https://warontherocks.com/2017/05/is-american-internationalism-dead-reading-the-national-mood-in-the-age-of-trump/>.

- Britz, Malena, et al... (2016), "Developments in security policy: European and US considerations regarding the war in Syria", Swedish Defence University, 2016, : 1-51.

- Buckley, Caitlin (2012) 'Learning from Libya, Acting

- Jeffrey, James F. (2017), "Trump's Plan to Arm Kurds Lays Bare the Strategic Vacuum in Syria", **The Washington Institute for Near East Policy**, May 9, 2017, available at: [foreignpolicy.com/.../trumps-plan-to-arm-kurds-lays-bare-the-strategic-vacuum-in-syria/](http://foreignpolicy.com/.../trumps-plan-to-arm-kurds-lays-bare-the-strategic-vacuum-in-syria/)
- Kagan, Kimberly (2014), "Next Steps for U.S. Foreign Policy on Syria and Iraq", **House Foreign Affairs Committee Subcommittee on Middle East and North Africa** Novembr 19, 2014, available at: <http://www.understandingwar.org>
- Kissinger, Henry (2012) 'A new Doctrine of intervention?', 31 March 2012, available at: **The Washington Post**. Available from: <http://fletcher.tufts.edu/Alumni/Talloires-Symposium->
- Kravetski, ED. (2017), "Trump Steadily Ramps Up Military Action Against ISIS and Al Qaeda", **Newsweek**, 3/23/17, <http://www.newsweek.com/trump-steadily-ramps-military-action-against-isis-and-al-qaeda-571670>
- Krieg, Andreas (2017), "Externalizing the burden of war: the Obama doctrine and US foreign policy in the Middle East", **International Affairs** 92: 1, Jan. 2016, : 97-114.
- Liebich, Don (2017) "Trump's Syria Dilemma", **Foreign Policy Journal**, Mar 24, 2017, <https://www.foreignpolicyjournal.com/2017/03/24/trumps-syria-dilemma/>
- Manson, Katrina (2017), "Trump set to conclude \$10bn Saudi arms sale", **The Financial Times**, 19 May 2017, <https://www.ft.com/content/b10b6062-3c74-11e7-821a-6027b8a20f23>
- McAdams, Dan (2016) "The Mind of Donald Trump", **The Atlantic**, 16 June; Available at: <https://www.theatlantic.com/magazine/archive/2016/06/the-mind-of-donald-trump/480771/>
- De Young, Karen and Philip Rucker(2017) "Details of Trump-Putin call raise new White House concerns" **The Washington Post**, 9 February 2017, <https://www.washingtonpost.com/.../details-of-trump-putin-call-raise-new-white-house-concerns-2017-02-09/>
- Dimitrova, Anna (2011), "Obama's Foreign Policy: Between Pragmatic Realism and Smart Diplomacy?", available at: [www.culturaldiplomacy.org/Anna-Dimitrova-Obama-s-Foreign-Policy-Between-Pragmatic-Realism-and-Smart-Diplomacy.pdf](http://www.culturaldiplomacy.org/Anna-Dimitrova-Obama-s-Foreign-Policy-Between-Pragmatic-Realism-and-Smart-Diplomacy.pdf)
- Dombrowski, Peter and Simon Reich,(2017), "Does Donald Trump have a grand strategy?", **International Affairs**, 5(93): 1013-1037 .
- Economist, (2017), "Donald Trump's Syria strategy is confused - **The Economist**" <https://www.economist.com/.../21720617-america-should-be-planning-de-facto-partition-donald-trumps-syria-strategy-confused>
- Foreign Policy (2017), "Trump's Syria Strategy Hinges on Russia", **Foreign Policy**, available at: <http://foreignpolicy.com/2017/08/08/trumps-syria-strategy-hinges-on-russia/>
- Geowatch, (2017), "Trump's Decisive Move on Syria Puts China, Russia and World on Notice", April 18, 2017, **The Edge of Risk**, available at:
- Guiora, A. (2012) 'Intervention in Libya, yes; Intervention in Syria, no', University of Utah College of Law Research Paper No. 32: 251-276.
- Heller, Sam (2016), "A Syria Policy for Trump's America", **The Century Foundation**, 9 December 2016, pp 1-45.
- Hennigan, W.G (2017), "Trump still lacks Syria strategy as fighting escalates", **Latimes**, 2017/6/19, available at: <http://www.latimes.com/world/middleeast/la-fg-syria-policy-20170619-story.html>

- Secretary of State Rex Tillerson,(2017) Remarks with National Security Advisor H.R. McMaster, April 6, 2017, [https:// www. state. gov/ secretary/ remarks/ 2017/04/269543. htm](https://www.state.gov/secretary/remarks/2017/04/269543.htm)
- Siebold, Sabine (2016), “Kerry says Iran nuclear deal has made world safer, rejecting Trump criticism”, **Reuters Agency**, 5 Dec 2016, [http:// www. reuters. com/ article/ us- germany- usa- kerry-id uskbn13u2fx taiwan- nixon.](http://www.reuters.com/article/us-germany-usa-kerry-id-uskbn13u2fx-taiwan-nixon)
- **The New York Times**, (2016), “Transcript: Donald Trump Expounds on His Foreign Policy Views,” March 26, 2016, available at [https:// www. nytimes. com/ 2016/03/27/ us/ politics/ donald- trump- tran-script. html? \\_r=1.](https://www.nytimes.com/2016/03/27/us/politics/donald-trump-transcript.html?_r=1)
- Tisdall, Simon (12 December 2016), Donald ‘China card’ in reverse, **Guardian**, Trump attempting to play Nixon’s [https:// www. theguardian. com/ usnews/ 2016/ dec/ 12/ donald- trump- us- china- relations-](https://www.theguardian.com/usnews/2016/dec/12/donald-trump-us-china-relations)
- Toosi, Nahal (2017), “Trump still doesn’t have a strategy for dealing with Assad”, **Politico**, 06/19/2017, available at: [http:// www. politico. com/ story/ 2017/06/19/ trump- russia- syria- assad- 239728.](http://www.politico.com/story/2017/06/19/trump-russia-syria-assad-239728)
- Washingtons Blog, George and Others, (2016), **ISIS is US: The Shocking Truth Behind the Army of Terror**, San Diego: ProgressivePress.
- Zoellick, Robert (2016), “After Obama: The future of US foreign policy”, **Financial Times**, October 16, 2016, [https:// www. ft. com/ content/ 8ae 3274e-916b11 e6a72 eb428 cb934 b78](https://www.ft.com/content/8ae3274e-916b11e6a72eb428cb934b78)
- **Middle East Eye**, (2017) “Trump’s moves in Syria are tactical, not strategic”, available at: [www. middle- easteye. net/.../ analysis- trumps- moves- syria-are- tacti- cal- not- strategic- 1921533496](http://www.middleeasteye.net/.../analysis-trumps-moves-syria-are-tactical-not-strategic-1921533496)
- **Middle East Press**, (2015), “Donald Trump: We Should Milk Saudi Arabia as much as Possible, and When The Wealthy Sheikhs Becomes Useless We Shall Abandon The Middle-East”, 2 September 2015, [http:// middleeastpress. com/ english/ donald- trump- we- should- milk- saudi- arabia- as- much- as- possible- and-when- the- wealthy- sheikhs- becomes- useless- we-shall- abandon- the- middle- east/](http://middleeastpress.com/english/donald-trump-we-should-milk-saudi-arabia-as-much-as-possible-and-when-the-wealthy-sheikhs-becomes-useless-we-shall-abandon-the-middle-east/)
- Murray, D. (2013) ‘Military action but not as we know it: Libya, Syria and the making of an Obama Doctrine’, **Contemporary Politics**, Vol. 19, No.2, pp.146-166.
- Phillips, James (2017), “How President Trump Can Improve U.S. Syria Policy”, **The Heritage Foundation**, Issue Brief, No. 4661 , 3 March 2017, Available at: [http:// report. heritage. org / ib4661](http://report.heritage.org/ib4661)
- **Press TV** (2017), “Trump lacks Syria strategy, risks confrontation with Russia and Iran, analysts say”, [http:// www. presstv. com/ Detail/ 2017/06/21/526087/ Trump-strategy- Syria- war](http://www.presstv.com/Detail/2017/06/21/526087/Trump-strategy-Syria-war)
- Rosen, Yereth (2017) “US Arctic officials don’t expect big policy changes with Trump presidency”, **Alaska, Dispatch News**, 26 Jan. 2017, [https:// www. adn. com/ arctic/ 2017/01/26/ u-s- arctic- officials- dont- expect- big policy- changes- with- trump- presidency/.](https://www.adn.com/arctic/2017/01/26/u-s-arctic-officials-dont-expect-big-policy-changes-with-trump-presidency/)
- Rumer, Eugene B., et al (2017) “Trump and Russia: The Right Way to Manage Relations”, **Foreign Affairs**, NO. 4 march 2017, [https:// www. foreignaffairs. com/ articles/.../ 2017-02.../ trump- and- russia](https://www.foreignaffairs.com/articles/.../2017-02.../trump-and-russia)